

نگاهی نشانه‌شناختی به واژه‌آیه در قرآن کریم

آرزو نجفیان*

استادیار دانشگاه پیام نور

حیات عامری**

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

صدیقه قیومی

کارشناس ارشد فلسفه منطق

چکیده

دانش وجوه از شاخه‌های علوم قرآنی است که قرآن‌پژوهان در تاریخ تفسیر و پژوهش‌های قرآنی بسیار به آن توسل جسته‌اند. اصطلاح وجوه به کلمات چندمعنایی اطلاق می‌شود که در قرآن به‌کار رفته است. گاه یک کلمه به بیست وجه یا بیشتر در قرآن به‌کار می‌رود. بررسی متن قرآن و تعیین مدلول دال‌های قرآنی (واژگان قرآن) با وجود انبوهی واژگان در وجوه، امری دشوار است. در این مقاله سعی شده است تا با رهیافتی نشانه‌شناختی وجوه متفاوت واژه «آیه» بررسی شود. واژه «آیه» در قرآن به دو مفهوم متنی (به معنای خود آیات قرآن) و فرامتنی (به معنای جهان طبیعت، نفس انسان و سرگذشت پیشینیان) به‌کار رفته است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برای تبیین وجوه متفاوت این واژه، توجه دقیق به بافت متنی بلافصل و بافت متنی گسسته ضروری به‌نظر می‌رسد؛ به این معنا که روابط همنشینی و جانیشینی در متن به روابط همنشینی و جانیشینی بلافصل محدود نمی‌شود. یک آیه از یک قسمت متن قرآن را می‌توان با آیه‌ای از جای دیگر بر روی محور جانیشینی و همنشینی در ارتباط قرار داد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، آیه، نشانه‌شناسی، دانش وجوه بافت متنی بلافصل، بافت متنی گسسته، بافت موقعیت.

* نویسندهٔ مسئول: najafian@shypnu.info

** h.ameri@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۸۹ / ۱ / ۱۶

تاریخ دریافت: ۸۸ / ۶ / ۷

۱. مقدمه

از مسائل مهم در حوزه علوم قرآنی که قرن‌ها توجه دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده، تفسیر و تأویل قرآن است. تفسیر قرآن به دو گونه اساسی صورت می‌گیرد: تفسیر قرآن به قرآن که از اعتبار و اهمیت چشمگیری برخوردار است و تفسیر قرآن به حدیث. از آنجا که در قرن حاضر شاهد ظهور زمینه‌های زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی و فلسفه‌های زبان هستیم و از سویی قرآن به‌عنوان موضوع زبانی مورد توجه و علاقه طیف وسیعی از افراد (با طبقات علمی، اجتماعی، شخصیتی، سنی و... متفاوت) قرار دارد، بررسی این متن با ملاحظات زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی می‌تواند در تفسیر قرآن به قرآن مفید واقع شود. همچنین دانش و جوه از شاخه‌های علوم قرآنی است که قرآن‌پژوهان در تاریخ تفسیر و پژوهش‌های قرآنی بسیار به آن توسل جسته‌اند.

این مقاله با رهیافتی نشانه‌شناختی، وجوه متفاوت واژه «آیه» را در قرآن بررسی کرده و تأثیر بافت زبانی و بافت موقعیت را روی این وجوه و تعدد معانی سنجیده است. به این منظور از کتاب *معجم‌المفهرس* فهرستی از آیاتی که در آن واژه «آیه» آمده، تهیه شده است. بسامد رخداد این واژه در آیات یادشده بالغ بر ۳۸۴ بار است. این واژه ۸۶ بار به شکل مفرد (آیه)، ۱ بار به شکل مثنی (آیتین در سوره اسراء آیه ۱۲) و ۲۹۷ بار به صورت جمع (آیات، آیاتنا، آیاته و آیاتی) آمده است.

در این مقاله پس از مروری بر مفهوم نشانه‌شناسی^۱ و مفاهیم اساسی مرتبط با موضوع و نگاهی به واژه «آیه» در قرآن (معانی لغوی، ریشه و وجوه متفاوت آن)، دبته‌ی موضوعی از آیات شامل این واژه ارائه خواهد شد. نگاهی نشانه‌شناختی به متن قرآن با تکیه بر واژه «آیه» و بررسی دو مفهوم متنی و فرامتنی این واژه، بخش دیگر مقاله را شکل می‌دهد. در ادامه آیاتی را که شامل واژه «آیه» هستند، براساس بافت موقعیت یعنی «مکی» و «مدنی» بودنشان دسته‌بندی و تحلیل می‌کنیم. در نهایت، دو سوره شعرا و انعام را که دارای بسامد بالایی از واژه آیه هستند مورد تحلیل موضوعی و نشانه‌شناختی قرار می‌دهیم.

۲. نشانه و نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی در کهن‌ترین روزگاران تفکر آدمی ریشه دارد و در هزارتوی تاریخ پر راز و رمز او پرورده شده است؛ هرچند از شکل‌گیری علم نشانه‌شناسی به معنای جدید آن بیش از یک‌سده نمی‌گذرد. بنیان‌گذار علم نشانه‌شناسی فردینان دو سوسور، زبان‌شناس سوئسی است. او نشانه‌شناسی را علمی معرفی می‌کند که به بررسی «زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی» می‌پردازد (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۳-۴ تقریباً هم‌زمان با سوسور در آن سوی اقیانوس اطلس در آمریکا، منطق‌دانی به نام چارلز ساندرز پی‌یرس، مطالعاتی بر روی نشانه‌شناسی^۲ انجام داد (فولادوند، ۱۳۷۶: ۱۱). سوسور بر کارکرد اجتماعی نشانه و پی‌یرس بر کارکرد منطقی آن تأکید می‌کند. اما این دو جنبه ارتباطی دوسویه و نزدیک با یکدیگر دارند؛ به طوری که امروزه اصطلاحات سمیولوژی و سمیوتیک رشته‌ای واحد را نشان می‌دهند (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۵).

نشانه سوسوری نشانه زبانی است که واحد زبان است و از پیوند اختیاری دال و مدلول ساخته شده است. دال تصویری است که از صوت در ذهن ما پدید آمده و مدلول تصویری است که از مصداق خارجی در ذهن ما جای گرفته است. سوسور با چنین طرحی از نشانه، در شمار پیروان نظریه انگاره‌ای قرار می‌گیرد که معنا را موجودیتی ذهنی می‌دانند. در مقابل، پی‌یرس نشانه را پدیده‌ای مادی می‌داند که به چیزی غیر از خود دلالت کند (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۵). برخلاف الگوی سوسوری نشانه که قالب دوگانه‌ای دارد، پی‌یرس الگویی سه‌وجهی برای آن معرفی می‌کند (Chandler, 1994: 36-7):

۱. نمود^۳: صورتی که نشانه به خود می‌گیرد (الزاماً مادی نیست)؛

۲. تفسیر^۴: نه تفسیرگر، بلکه معنایی که از نشانه حاصل می‌شود؛

۳. موضوع^۵: نشانه به آن ارجاع می‌دهد؛

معنای نشانه محتوای درون آن نیست؛ بلکه از تفسیر آن نشانه حاصل می‌شود. در صورت پذیرش هریک از دو الگوی دووجهی و یا سه‌وجهی، نقش تفسیرگر باید مورد توجه قرار گیرد. هیچ‌گاه نمی‌توان کار برای نشانه‌ها را از نشانه‌ها و ارجاعات نشانه‌ها جدا کرد. پل تیبیر معتقد است تفسیرگر حتی در الگوی آشکارای دووجهی سوسور نیز

حضورى ضمنى دارد (Ibid, 32). تفسير در برداشتى عام، همان معنای نشانه و در برداشتى خاص، رابطه جانشینی میان یک نشانه و نشانه‌ای دیگر است (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۴۶).

۳. نشانه دلالیت

نشانه، محرک یا جوهر محسوسی است که تصویر ذهنی آن در ذهن ما با تصویر ذهنی محرکی دیگر تداعی می‌شوکارکرد محرک نخست برانگیختن محرک دوم با هدف برقراری ارتباط است (همان، ۳۹). دیدن آیات و نشانه‌های جهان خلقت، برای مثال گردش شب و روز، فصل‌ها، آفتاب و... تصویر ذهنی مفهوم خالق را در ذهن تداعی می‌کند.

۴. تک‌معنایی و چندمعنایی

به لحاظ نظری، هر ارتباطی هنگامی مؤثر است که در آن یک مدلول به یک - فقط یک - دال مربوط باشد و یک دال هم فقط یک مدلول را بیان کند. در زبان علمی، نظام‌های علامتی و رمزگان‌های منطقی به‌طور عام چنین‌اند. در عمل نظام‌هایی که در آن‌ها هر دال می‌تواند به چندین مدلول ارجاع کند و هر مدلول می‌تواند به وسیله چندین دال بیان شود، فراوان‌اند. این امر را می‌توان در رمزگان‌های هنری مشاهده کرد که در آن‌ها قرارداد ضعیف و نشانه گشوده است (همان، ۴۶).

در نظام متن قرآن نیز این ارتباط یک‌به‌چند و چندبه‌یک با عنوان دانش وجوه و نظایر شناخته شده است. بحث در این باره را در بخش «وجوه واژه آیه در قرآن» پی خواهیم گرفت. نکته درخور ذکر این است که این امر دال بر هنری بودن متن قرآن و لایه‌لایه بودن آن است؛ زیرا هر لایه را که بشکافی، لایه‌ای دیگر در قلب آن دیده می‌شود.

چندمعنابودن قاعده عام زبان ملفوظ است و به‌نظر می‌رسد دلیلش این است که ما بیش از آنکه با یک رمزگان روبه‌رو باشیم، با توده‌ای از رمزگان‌هایی سروکار داریم که روی هم قرار گرفته و به هم گره خورده‌اند. نظام‌های بیانی هم‌زمان از چندین رمزگان

استفاده می‌کنند. این امکان‌گزینی سبک را رقم می‌زند: از آنجا که فرستنده امکانات فراوانی برای فرمول‌بندی پیام خود در اختیار دارد، گزینش او گزینشی معنادار است (همان‌جا).

۵. متن^۶ در برابر بافت موقعیت^۷

به نظر می‌رسد تحلیل‌های نشانه‌شناختی از همان گام اول از نوع تحلیل متن هستند و نشانه‌شناس هرگز نمی‌تواند نشانه‌ای را در انزوا بررسی کند؛ یعنی در فضایی که نشانه جدا از رمزگانی که آن را ممکن کرده یا از متنی که در آن تحقق عینی یافته و به لایه‌ای از آن تبدیل شده است. نشانه‌شناس پیوسته با متن سروکار دارد و ورود او به عرصه مطالعه سازوکارهای رمزگان نیز از مجرای متن است (سجودی، ۱۳۸۳: ۶۱-۶۲).

متن کلامی بر دو محور جانیشینی و همنشینی که خطی یا زمانی است ساخته می‌شود (ساسانی، ۱۳۸۳: ۸۱). رابطه همنشینی (زنجیره‌ای) حضوری است؛ یعنی رابطه دو یا چند عنصر که در رشته‌ای از عناصر موجود حضور دارند. برعکس، رابطه جانیشینی (متداعی) عناصر غیابی را در یک زنجیره بالقوه ذهنی به هم می‌پیوندد (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۷۷).

در بررسی معناشناسی گفتمانی (نشانه‌شناسی)، چهار عامل فراگیر یا فراعامل در شکل‌گیری هر خوانش، تفسیر، تأویل و معنا تأثیرگذارند: ۱. متن؛ ۲. تولیدکننده متن (در مقام مؤلف، هنرمند و سازنده اثر)؛ ۳. بافت زمانی-مکانی که هم بافت بلا فصل و هم بافت کلان (و به عبارتی فرهنگ) را دربرمی‌گیرد و در سنت اسلامی با لفظ «مقام»، «شأن نزول» و «اسباب نزول» از آن یاد شده است؛ ۴. خوانش‌گر که شامل خواننده، شنونده، بیننده، منتقد و هر مخاطبی می‌شود (همان، ۸۰).

تولیدکننده متن (مؤلف/هنرمند) نه از جنبه تولیدکنندگی متن، بلکه فقط از نظر تأثیرگذاری و نفوذش بر خوانش‌گر هنگام خوانش متن مورد توجه قرار می‌گیرد. در تفسیر متون مقدس، هدف، رسیدن به «منظور» مؤلف (خداوند) در پرتو بافت اولیه و در نهایت بافت موجود است؛ در صورتی که در معناشناسی گفتمانی (یا نشانه‌شناسی امروزی) بیشتر، خوانش دوباره و هر باره از متن مورد نظر است.

بافت آن شبکه روابطی است که میان صورت (دستور واژگان) و جهان بیرون وجود دارد و معنای خارجی زبان را تشکیل می‌دهد (سجودی، ۱۳۸۰: ۴۵). در تحلیل متن باید به دو نوع عنصر اساسی توجه کرد: بافت متن و بافت موقعیت‌منظور از بافت متن آن است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است و جمله‌های قبل و بعد از آن عنصر، در متن در تبلور نقش و معنای آن- و به عبارتی در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن- چه تأثیری دارد (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۴۶). بافت موقعیتی معنا را در ارتباط با بافتی که زبان در آن به کار می‌رود، بررسی می‌کند؛ یعنی در بافت موقعیتی که به آن بافت غیرزبانی هم می‌گویند (پالمر، ۱۳۷۴: ۸۶). یک عنصر با یک متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است بررسی می‌شود. منظور از این بافت، بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی است (سیدی، ۱۳۷۵: ۴۶).

۶. نگاهی به واژه «آیه» در قرآن

آیه در لغت به معنای علامت، عبرت، معجزه، امر شگفت، دلیل و برهان، حد فاصل جماعت، طایفه و... آمده است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۷۰؛ احمدی، ۱۳۷۸: ۴۰-۴۱). رادمنش (۱۳۷۰) دو معنای لغوی «دلالت» و «علامت» را برای این واژه ذکر کرده است (۱۴۲). به نظر سیوییه، این واژه در اصل «اییهو» وزن فَعْل است (احمدیان، ۱۳۷۸: ۴۰). خرمشاهی ریشه این کلمه را «أویه» به فتح واو که حرف دوم اصلی آن است می‌داند (۱۳۷۷: ۷۱). برخی گفته‌اند اصل آن بر وزن فاعله است که حرف دوم یا آخر آن به دلیل تخفیف حذف شده و اگر به صورت کامل بیاید، «آییه» می‌شود (همان‌جا).

بنا بر دیدگاه آرتور جفری، این واژه در زبان عربی ریشه ندارد و از قرار معلوم از سریانی یا آرامی گرفته شده است (۱۳۷۲: ۱۳۳). جفری از زبان عبری واژه‌ای را به‌عنوان شاهد می‌آورد که در معانی مختلفی به‌کار رفته است؛ از جمله نشانه‌های هوا، علائم نظامی و در معنای دینی برای معجزات و شگفتی‌هایی که حضور الهی را شهادت می‌دهند و هم برای نشانه‌هایی که همراه و گواه بر کارهای انبیا هستند. بنا بر نظر جفری، بیشتر احتمال می‌رود که این واژه از طریق مسیحیان سریانی‌زبان به عربی رسیده باشد. وی از واژه‌ای سریانی یاد کند که علاوه بر اینکه دقیقاً مانند واژه عبری

یادشده به کار می‌رود، در معنای دلیل و برهان و شاهد و سند نیز استفاده می‌شود و در نتیجه بیشتر از آن به کاربرد قرآنی واژه «آیه» نزدیک می‌شود. او معتقد است این واژه در شعر کهن عربی یعنی پیش از زمان حضرت محمد (ص) نیز کاربرد داشته است (همان‌جا).

معنای کلمه آیه در شعر کهن عربی «نشان منزلگه یار» است و معنای اصیل کلمه به‌شمار می‌رود (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۸: ۲۷۵). دومین معنای آیه که «نشان امر غیرعادی» است نیز در شعر جاهلی به کار رفته است. این معنا پس از تحول، در معنای تازه‌تری یعنی «نشان خشم و تهدید و انذار» به کار رفته است. لفظ آیه، که معنای جاهلی آن تقریباً به همین سه مفهوم منحصر است، همین‌که وارد قرآن می‌شود ده‌ها معنای تازه پدید می‌آید که مفرد آن‌ها اشاره کرده‌اند (همان‌جا). در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* ذیل واژه آیه آمده است که «آیه» از واژه‌های بسیار کهن سامی است و در زبان‌های فنیقی، آرامی، عبری، سریانی و حتی در هندی آمده است. تحول معنایی کلمه همان است که در عربی ملاحظه می‌شود: نخست بر نشانه‌های مادی و ملموس اطلاق شد، سپس بر پدیده‌های طبیعی و آثاری که بر قدرت الهی دلالت دارد. همه این معانی بارها در عهد عتیق به کار رفته است (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۸: ۲۷۴).

معنای اصلی واژه «آیه» در قرآن «نشان و علامت» است. در اصطلاح قرآن، پدیده‌های عالم «آیه» خوانده شده است؛ زیرا همگی نشان و دلیل عظمت، قدرت و علم خدا به‌شمار می‌روند. معجزات پیامبران قبلی و پیامبر اسلام (ص) نیز آیه خوانده شده است؛ از آن‌رو که نشان راست‌گویی و صدق رسالت آنان است. برای مثال: «رستاخیز نزدیک شد و ماه بشکافت و اگر آیتی ببینند روی برگردانند و گویند جادویی پیوسته است.» (قمر، ۱-۲). معانی فرعی آیه که در لابه‌لای تفاسیر به آن‌ها اشاره شده، عبارت است از: حکمی از احکام، قدرت و سلطه، ساختمان بلند و نیز قصه، رسالت، شخص، کالبد، جماعت و سخن سودمند (همان‌جا).

اصطلاح قرآنی آیه به معنای کوچک‌ترین واحد سوره است که به‌طور کلی مرکب از تعدادی کلمه است و نص قرآنی از آن تشکیل می‌شود. با این تعریف، هر آیه دلالتی بر صدق رسالت پیامبر خاتم و نشانه‌ای بر معجزه بودن قرآن است. حاج ملاعبداللّه

احمدیان نیز بیان می‌کند آیه در اصطلاح قرآن بر قسمتی از کلام خدا اطلاق می‌شود که از قبل و بعد خود جدا و در ضمن سوره‌ای آمده باشد. مناسبت این معنای اصطلاحی با هریک از معناهای لغوی روشن است؛ زیرا آیه قرآن جمعی از کلمات و معجزه و نشانه صدق دعوی و برهان حقانیت رسالت پیامبر و عبرت روزگاران و از هر حیث دلاویز و شگفت‌انگیز است (احمدیان، ۱۳۷۸: ۴۱).

۷. چندمعنایی (وجه) «آیه» در قرآن

اولین فردی که لفظ وجه را در مورد قرآن به کار برد، علی بن ابیطالب (ع) است و آن زمانی بود که آن حضرت ابن‌عباس را برای مناظره و محاجه با خوارج به سوی آنان روانه کرد و چنین فرمود:

با ایشان (خوارج) با استناد به آیات قرآن مناظره و محاجه نکن، زیرا قرآن دارای وجوه بسیاری (از معانی و تفاسیر و تأویل‌های گوناگون) است. تو آیه‌ای می‌خوانی و آن‌ها هم در مقابل آیه‌ای دیگر خوانند. پس سعی کن با آنان با استناد به سنت، محاجه و احتجاج کنی؛ زیرا آنان نمی‌توانند از پذیرش سنت گریزگاهی بیابند (دامغانی و عزیزی نقش، ۱۳۶۱: مقدمه).

سیوطی در کتاب *الاتقان* می‌نویسد:

وجه برای لفظ مشترک است که در چند معنا استعمال می‌شود. از جهت اینکه در قرآن یک کلمه به بیست وجه یا بیشتر یا کمتر صرف می‌شود و این در سخن افراد بشر نیست. بعضی این امر را از معجزات قرآن نامیده‌اند (۴۸۷).

حبش بن ابراهیم تفلیسی (۵۵۸هـ) برای واژه «آیه» در قرآن دو وجه قائل است: وجه اول به معنای «عبرت» است، چنان‌که خداوند در سوره مؤمنون آیه ۵۰ می‌فرماید: «و جعلنا ابن مریم و امه آیه»؛ وجه دوم آیه به معنای «نشان» است، چنان‌که در سوره روم آیه ۲۱ آمده است: «ومن آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر تتشرون»: «و از جمله آیات او این است که شما را از خاک آفرید. سپس که بشری شدید [در زمین] پراکنده شدید». از این معنا در قرآن بسیار است (تفلیسی، ۱۳۴۰: ۹). البته به نظر می‌رسد نظر تفلیسی در مورد مثال وجه اول (عبرت) نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا واژه عبرت

بار معنایی منفی دارد که در مورد این آیه به‌ویژه «وجعلنا ابن مریم و امه آیه» نمی‌تواند صادق باشد؛ زیرا با توجه به داستان حضرت مریم، ولادت حضرت عیسی معجزه و از حوزه اختیارات بشری خارج بوده است. بنابراین در این مثال در نظر گرفتن وجه معجزه برای کلمه «آیه» مناسب‌تر است؛ همان‌طور که مترجمانی چون خرمشاهی به این مطلب اشاره کرده‌اند. در کتاب *قاموس قرآن* نیز برای واژه «آیه» شش وجه ذکر شده است: ۱. نشانه؛ ۲. قرآن؛ ۳. معجزه؛ ۴. عبرت؛ ۵. کتاب آسمانی؛ ۶. امر و نهی (دامغانی، ۱۳۶۱: ۷۴).

نگارندگان با ارجاع به ترجمه‌های متفاوت قرآن و نیز کتاب‌های تفسیر به این نتیجه رسیدند که این تعادل معنایی (وجه) به شکل مفرد واژه «آیه» تعلق دارد و به ترتیب در معانی متعددی چون معجزه، نشانه، عبرت، پدیده (شگرف)، آیه (به معنای جملات قرآن) و حکم و دلیل روشن به‌کار رفته است. اما شکل جمع این واژه اغلب به معنای نشانه‌ها و گاه به معنای آیات قرآن آمده است. به نظر می‌رسد این تعادل معنایی ناشی از بافتی است که واژه در آن پدید می‌آید. البته این موضوع، خود می‌تواند موضوع پژوهشی زبان‌شناختی قرار گیرد که آیا فرم ساخت واژه‌ای کلمه می‌تواند بر گستره معنایی آن واژه تأثیر بگذارد یا خیر؟

۱۰. طبقه‌بندی موضوعی آیات حاوی واژه «آیه»

در این پژوهش براساس کتاب خلیل‌اله صبری (۱۳۶۲) با عنوان *طبقات آیات: طبقه‌بندی قرآن کریم براساس موضوع* و براساس فهرستی که از کتاب *المعجم المفهرس* در دست بوده است، آیات حاوی واژه «آیه» به لحاظ موضوعی طبقه‌بندی شده است. جدول زیر مهم‌ترین و پربسامدترین موضوعات ذکر شده را نشان می‌دهد:

طبقه‌بندی آیات شامل واژه آیه به لحاظ موضوعی

ردیف	موضوع	بسامد
۱	فصاحت قرآن، اعجاز و عظمت آن	۴۳ آیه
۲	محمد، مأموریت و راهنمایی او	۲۲ آیه
۳	خلقت آسمان و زمین، سال و ماه، شب و روز، تکوین بشر، روح، اختلاف رنگ و زبان، نامتناهی بودن دستگاه خلقت و اسرار آن	۵۴ آیه

۴	داستان‌های قرآن، سرگذشت پیشینیان و پیامبران قبلی	۹۸ آیه
۵	حالات روحی بشر، خدعه و دورویی او، غرور و ضعف و گرویدن او به زخارف دنیوی	۱۹ آیه
۶	قیامت، مناظر بهشت و جهنم، حال و وصف بهشتیان و دوزخیان	۳۲ آیه
۷	جنگ‌ها و تبلیغات، اصول و قواعد لشکرکشی، شکست و پیشرفت‌های اسلام و جهاد	۲۵ آیه

از ۳۸۴ باری که واژه «آیه» در قرآن آمده است، ۲۹۳ مورد آن ذیل این ۷ موضوع مهم قرار می‌گیرد و ۹۱ مورد آن با بسامد پایین ذیل موضوعات ریز دیگری طبقه‌بندی می‌شود که در اینجا از ذکر آن‌ها خودداری کرده‌ایم. با توجه به جدول بالا، سه موضوع مهمی که در قرآن به آن‌ها پرداخته شده و واژه آیه با تواتر بالایی در این موضوعات آمده، به ترتیب بسامد از این قرار است:

۱. سرگذشت تاریخی اقوام؛
۲. جهان خلقت و آفرینش انسان؛
۳. فصاحت قرآن و عظمت آن.

۱۱. نشانه‌شناسی متن قرآن با تکیه بر واژه «آیه»

هدف از نشانه‌شناسی متن قرآن، تلاش برای بهبود بخشیدن به درک کلام خداوند در سایه تفکرات جدید است. از دیدگاه هرمنوتیکی این امر بسیار معنادار است که قرآن وحی الهی را دربردارنده آیات (نشانه‌ها) می‌داند و هم‌زمان، مؤمنان را آگاهی می‌دهد که جهان طبیعت، خود انسان و رخدادهای تاریخی نیز حاوی نشانه‌هایی از وجود خداوند هستند.

واژه آیه در قرآن در دو مفهوم متنی (آیه‌های قرآن) و فرامتنی (جهان طبیعت، سرگذشت پیشینیان و نفس خود انسان) به کار رفته است. در بیشتر موارد هنگامی که مفهوم متنی واژه آیه موردنظر است، واژه به شکل جمع یعنی «آیات»، و در مفهوم فرامتنی به شکل مفرد آمده است.

۱-۱۱. «آیه» در مفهوم متنی (درون متنی)

خداوند در قرآن بارها به معجزه‌بودن آیات آن اشاره می‌کند. آیه‌های قرآن، خود نشهلیلی دال بر وحدا نیت، قدرت و عظمت خداوند هستند. نشانه‌ای که به‌تنهایی روشن‌کننده راه مؤمنان است؛ قرآن این مطلب را چنین بیان می‌کند: «الر تلک آیات الکتاب المبین» (یوسف، ۱). «این حقیقت در پرتو آیاتی از سوره شعرا روشن‌تر می‌گردد» (Koshul, 2004: 4): «طسم. تلک آیات الکتاب المبین» (شعرا، ۱-۲): «طسم. این آیات کتاب روشن‌گر است؛ یا در آیات اول و دوم سوره یوسف: «الر. تلک آیات الکتاب المبین* انا انزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون»: «الر. این‌ها آیات کتاب روشن‌گر است* ما آن را به صورت قرآنی عربی [و روشن] نازل کردیم باشد که اندیشه کنید؛ و یا آیه اول سوره رعد: «المر... تلک آیات الکتاب والذی انزل الیک من ربک الحق و لکن اکثر الناس لایؤمنون»: «المر... این است آیات کتاب و آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است ولی بیشتر مردم نمی‌گروند». بافت خودارجاعی این آیات نشان می‌دهد قرآن خودش را ترکیبی از آیاتی در نظر می‌گیرد که هریک نشانه و گواهی بر واقعیت غایی، یعنی واقعیت خداوند خالق است.

۲-۱۱. «آیه» در مفهوم فرامتنی

قرآن «آیه» را در مفهومی فرامتنی نیز به‌کار می‌برد و برای نشانه‌های خود سه منبع کلی در نظر می‌گیرد: جهان طبیعت، وجود انسان (بعد مادی و روحی) و رخدادهای تاریخی (سرگذشت پیشینیان).

«الله الذی رفع السماوات بغير عمد ترونها ثم استوی علی العرش و سخر الشمس و القمر کل یجری لاجل مسمى یدبر الامر یفصل الایات لعلکم بلقاء ربکم توقنون» (رعد، ۲): «خداوند کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید برافراشت. سپس بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام کرده است که هریک تا سرآمدی معین، روان است (همو) کار (و بارجهان) را تدبیر می‌کند و آیات [خویش] را روشن بیان می‌دارد، باشد که شما به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید». قرآن در این آیه و آیات بعد از آن (آیه ۳ و ۴) و همچنین آیات دیگر سوره‌ها توجه انسان را به نشانه‌های

فرامتنی، نشانه‌هایی از جهان طبیعت و عجایب آن جلب می‌کند؛ نشانه‌هایی که دلالتی آشکار بر واقعیت فرامادی است؛ البته بر آنان که تعقل می‌کنند. همین نگرش موجب شد بعدها مسلمانان پایه محکمی از علوم طبیعی را بنا نهند.

آیه ۱۶۴ بقره که در آن «آیه»، «آیات» میله شده است، بر صحت مطالب گفته شده تأکید می‌کند: «ان فی خلق السماوات و الارض و اختلاف الیل و النهار و الفلک التي تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها و بث فیها من کل دابه و تصریف الریاح و السحاب المسخر بین السماء و الارض لایات لقوم یعقلون»: «آری در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و در کشتی‌ای که برای بهره‌وری مردم در دریا روان است و آبی که خداوند از آسمان فرود فرستاده و بدان زمین را پس از پژمردنش زنده داشته و جانورانی که در آن پراکنده است و در گرداندن بادهای و در ابری که بین آسمان و زمین آرمیده است، مایه عبرتی برای خردمندان است». ترجمه «آیات» از ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی است. خرمشاهی برای واژه «آیات» در این آیه وجه عبرت را در نظر گرفته است که چندان صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چرا که بافت خود آیه نشان می‌دهد بهترین معنا همان «نشانه‌ها» است. از سوی دیگر، همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، در واژه «عبرت» بار معنایی منفی نهفته است؛ به این معنا که اغلب هنگامی که حادثه یا مسئله‌ای ناخوشایند برای کسی یا کسانی رخ می‌دهد، جب‌تنبه دیگران می‌شود و از آن عبرت می‌گیرند. اما در این آیه تمام نشانه‌هایی که از آن‌ها یاد شده است، نهایت نظم و دقت و ظرافت و زیبایی را به نمایش گذارند و اصلاً بار معنایی منفی را منتقل نمی‌کنند.

خداوند دومین منبع آیات فرامتنی را نفس خود انسان معرفی کرد و البته مسأله آنست که در سمبولیسم قرآنی برای نفس انسان دو بعد در نظر گرفته شده است: بعد مادی و خاکی و بعد معنوی و روحی. آیات زیر بیان‌گر آن است که هویت بشری (بعد مادی انسان) از نشانه‌های قدسی است:

«و من آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا اتم بشر تنشرون» (روم، ۲۰): «و از جمله آیات او این است که شما را از خاک آفرید سپس که بشر شدید [در زمین] پراکنده شدید».

«و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده ورحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (روم، ۲۱): «و از جمله آیات او این است که برای شما از نوع خودتان همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید و در میان شما دوستی و مهربانی افکند، بی‌گمان در این امر برای اندیشه‌ورزان مایه‌های عبرت است».

علاوه بر این آیات، آیات دیگری دربارهٔ زبان انسان (که به آن تکلم می‌کند)، رنگ پوست و حتی خواب شب و نیم‌روز و... در قرآن آمده است که همگی را نشانه‌هایی از وجود خداوند می‌شمارد. قرآن حتی لباس پوشاندن بر تن انسان را نیز در شمار آیات می‌داند (اعراف، ۲۶). قرآن در کنار بعد جسمانی و مادی انسان، بعدی معنوی و برتری را نیز برای او قائل است. با آنکه انسان از گلی سیاه و بدبو آفریده شده، دارای روحی الهی است؛ روحی که انسان را به آرامش ابدی پیوند می‌دهد؛ درست همان قدر که خاک (بعد جسمانی) انسان را به آرامش مادی و طبیعی می‌رساند (حجر، ۲۸-۲۹).

سومین منبع آیات فرامتنی، رویدادهای تاریخی یا سرگذشت پیشینیان است. آیه ۳۶ سوره نحل انسان را به سفر در اطراف زمین و مطالعهٔ سرنوشت گذشتگان دعوت می‌کند: «و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت فمنهم من هدی الله و منهم من حقت علیه الضلاله فسیرو فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین»: «و به راستی که در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم [تا بگویند] که خداوند را بپرستید و از طاغوت پرهیز کنید و از ایشان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و از ایشان کسانی هستند که سزاوار گمراهی‌اند؛ پس در زمین سیر و سفر کنید و بنگرید که سرانجام انکارپیشگان چگونه بوده است». قرآن به‌ویژه به سرنوشت ملت‌هایی اشاره دارد که کلام وحی و واقعیت رستاخیز را انکار کرده‌اند و آنان را مایهٔ پند و عبرت نسل‌های بعد از خودشان دانسته است. آن وجه از واژه «آیه» که معنای «عبرت» دارد، در این زیرمجموعه بیشتر یافت می‌شود.

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان دسته‌بندی دوگانه‌ای برای آیات ارائه کرد: آیات آفاقی و آیات انفسی. این دسته‌بندی در آیه ۵۳ سوره فصلت آمده است. مفه سَران در تعریف آیات آفاقی و انفسی گفته‌اند: آیات آفاقی آثار و سرنوشت امت‌های پیشین، آفریده‌های زمین و آسمان مانند خورشید، ماه و ستارگان، کوه‌ها و دریاها،

گیاهان و هرچیزی جز انسان است و آیات انفسی لطایف وجود آدمی است (دایرةالمعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲: ۳۵۶-۳۵۷).

در قرآن بر آیه بودن آفرینش انسان تأکید شده است: «ان فی السماوات و الارض لآیات للموقنین* و فی خلقکم و مایث من دابه آیات لقوم یوقنون» (حاشیه، ۳-۴): «بهراستی در آسمانها و زمین، برای مؤمنان نشانه‌هایی است* و در آفرینش خودتان و آنچه از [انواع] جنبه‌ها پراکنده می‌گرداند، برای مردمی که یقین دارند نشانه‌هایی است».

در مکتب اسلام یکی از راه‌های شناخت خدا، شناخت او از راه آیاتش است که آن را در اصطلاح‌ها «آیه» می‌نامند؛ یعنی ساق با تدبیر در معلول (آثار) به علت و مؤثر آن پی می‌برد. شناخت خدا از این راه، شایع‌ترین برهانی است که قرآن برای خداشناسی مطرح کرده است. اهتمام قرآن برای خداشناسی از راه آیات، از آن‌رو است که بیشتر معلومات بشر در جهان، معلومات آیه‌ای است؛ به این معنا که ذهن ما همواره از راه آیات و آثار مؤثر را در ورای آن‌ها می‌بیند یا به تعبیر زبان‌شناختی، هر نشانه‌ای (آیه‌ای) دال بر وجود مؤلفی است که آن نشانه را وضع کرده است.

۱۲. طبقه‌بندی آیات حاوی واژه «آیه» بر مبنای بافت موقعیت (مکی و مدنی بودن)

منظور از بافت موقعیت، بافتی است که زبان در آن به کار می‌رود؛ مانند بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی. از نظر دین اسلام، خداوند متعال پیام جاودانه‌اش را به شکل ۱۱۴ بخش کوچک و بزرگ بر پیامبرش وحی کرده و هریک از بخش‌ها را سوره نامیده است. سوره‌های قرآن به لحاظ تفاوت زمان و مکان نزول بر دو قسم هستند: سوره‌های مکی که قبل از هجرت و در دوره سیزده‌ساله اول رسالت در مکه و حومه‌های آن نازل شده و سوره‌های مدنی که بعد از هجرت و در دوره ده‌ساله رسالت در مدینه و دیگر جاها بر پیامبر فرو فرستاده شده است. این دو نوع سوره‌ها (مکی و مدنی) نه تنها از راه روایت، بلکه از راه درایت و وجود ویژگی‌ها نیز از هم جدا شده‌اند (احمدیان، ۱۳۷۸: ۴۴).

قرآن ۱۱۴ سوره مشتمل بر ۲۷ سوره مدنی و ۸۷ سوره مکی دارد و در کل ۶۱۰۴ آیه است. تعداد آیات سوره‌های مکی ۴۴۶۵ و تعداد آیات سوره‌های مدنی ۱۶۳۹ است. در ۴۵ سوره مکی و ۱۵ سوره مدنی واژه آیه به‌کار رفته است. از سویی بسامد واژه «آیه» در سوره‌های مکی ۲۹۷ بار و در سوره‌های مدنی ۸۷ بار است. با توجه به این آمار می‌توان گفت بسامد واژه «آیه» در سوره‌های مکی به‌تناسب بسیار بیشتر از بسامد آن در سوره‌های مدنی است و البته این بسامد می‌تواند معنادار باشد. به این منظور به ویژگی‌های آیات مکی و مدنی اشاره می‌کنیم (رادمنش، ۱۳۷۰: ۱۷۱-۱۷۲). ویژگی‌های اغلب آیات مکی به این شرح است:

۱. دعوت به اصول عقاید از جمله ایمان به خالق یکتا و ایمان به قیامت، و تصویرهایی از اوضاع روز حساب و اهل بهشت و اهل دوزخ؛ دعوت به فضایل اخلاقی و تمسک به اعمال نیک؛
 ۳. مجادله با مشرکان و ابطال عقاید آن‌ها و نسبت سفاهت به تصورات باطل آنان؛
 ۴. کثرت سوگند به خدا، روز آخرت، قرآن و مانند این‌ها؛
 ۵. کاربرد فراوان در خطاب به «یا ایها الناس» و کمتر به «یا ایها الذین آمنوا»؛
 ۶. قصص انبیا و امت‌های پیشین و نیز قصه آدم و ابلیس؛
 ۷. کوتاه بودن آیات و سوره‌ها به‌طور کلی.
- ویژگی‌های اغلب آیات مدنی نیز از این قرار است:
۱. جدال با اهل کتاب و دعوت آن‌ها به ترک غلو در دین (چنان‌که در آیات سوره بقره، آل عمران، نساء، مائده و توبه آمده است)؛
 ۲. کثرت ذکر جهاد و اعلام جهاد و تشریح احکام آن؛
 ۳. تفصیل احکام حدود و فرایض و حقوق و نصاب‌های ارت؛
 ۴. بیان قوانین اقتصادی و سیاسی و قراردادهای و پیمان‌های بین‌المللی؛
 ۵. استدلال‌های منطقی در بیان حقایق دینی؛
 ۶. طولانی بودن آیات و سوره‌ها.

در بخش دهمی موضوعی آیه حاوی واژه «آیه» دیدیم که این آیات شامل سه موضوع اصلی بودند: سرگذشت اقوام و پیامبران پیشین، جهان طبیعت و آفرینش

انسان، و فصاحت و اعجاز قرآن. قرآن با طرح این موضوعات توجه مؤمنان و مشرکان را به آیات و نشانه‌های خدا جلب می‌کند و آنان را به ایمان آوردن به خالق یکتا و روز جزا فرامی‌خواند. ویژگی‌های آیات مکی نیز به‌گونه‌ی مبین همین امر است. شاید بتوان گفت قرآن با بهره‌گیری مکرر از واژه آیه و وجوه متفاوت آن در سوره‌های مکی می‌کوشد وجدان‌های خفته را با ارجاع مکرر آن‌ها به آیات و نشانه‌های خدا بیدار کند و بذریعۀ ایمان را در قلب‌های بندگان بکارد. به عبارتی، قرآن عهد مکی با توجه به بافت موقعیت و فضای حاکم بر آن، فقط در مورد ایمان و عقیده سخن می‌گوید و می‌کوشد تا در ایمان به خدا شکی باقی نماند؛ زیرا نخستین و برترین رکن در عقیده و ایمان مسلمان، توحید و معرفت به وجود خدای یگانه است. قرآن در این آیات فرم را به خدمت محتوا آورده است؛ چرا که کوتاه بودن آیات به سرعت نفوذ و ماندگاری آن در ذهن تأثیر مثبت می‌گذارد و احساسات انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در اصطلاح قیافه‌هان و مفسران، بافت غیرزبانی (موقعیت) در قرآن، شأن نزول یا اسباب نزول نام دارد. شأن نزول موجب فهم دقیق معانی قرآن می‌شود و شیوه‌ای است بسیار استوار در فهم معانی قرآن و تفسیر آیه بدون آگاهی از آن ممکن نیست. ابن تیمیه می‌نویسد: «شناخت سبب نزول، بر فهم آیه کمک می‌کند؛ زیرا که علم به سبب، موجب علم به مسبب است.» (سیدی، ۱۳۷۵: ۱۲). آیات مکی و مدنی در قرآن بیان‌گر همین بافت غیرزبانی است. بدیهی است که مضمون سوره‌ها و آیات از جهت نزول، با حوادث و وقایع و نیازمندی‌های گوناگون ارتباط کامل دارد که در طول دعوت پیامبر تحقق یافته است. نزول تدریجی قرآن، وجود ناسخ و منسوخ، حوادث و شرایط حاکم بر نزول وحی، نوع دشمنان پیامبر (ص)، مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... همه در تکوین این متن به‌عنوان بافتی غیرزبانی تأثیر داشته است.

قرآن یک متن است؛ متنی مقدس که بنا بر محتوای آن، اصلش نزد خداوند است؛ چنان‌که در سوره رعد آیه ۳۹ آمده است: «ی‌محوالله ما یشاء و یتبث و عنده ام الكتاب»: «خدا آنچه را بخواهد می‌زداید یا می‌نگارد و ام‌الکتاب (اصل کتاب) نزد اوست». سیدی (۱۳۷۵) در نقش بافت در فهم واژگان قرآنی می‌نویسد:

قرآن برای فهم، تدبر و تأمل در آن نازل شده است. فهم این متن را منوط به آدابی کرده‌اند. باید با متن چنان روبه‌رو شد که متن خود سخن بگوید نه اینکه از خود چیزی بر متن تحمیل کرد و اگر چنین باشد که خواننده از خود بر متن چیزی تحمیل کند، متن برای او کشف نخواهد شد و لذا نکوهش تفسیر به رأی به همین معنا ناظر است و از جمله کسانی که معانی قرآن بر او ظاهر نشود، کسی است که قرآن را به رأی خود تفسیر کند. غرض آنکه این متن در شرایطی ویژه شکل گرفته و منفصل و دور از شرایط حاکم بر آن به‌وجود نیامده است. این متن با انسجام و هماهنگی بسیار شگفت به مدت ۲۳ سال در شب و روز، سفر و حضر، جنگ و صلح، زمین و آسمان فرود آمد و حتی برخی سوره‌ها دو مرتبه نازل شده است؛ یک مرتبه در مکه و یک مرتبه در مدینه و برخی از آیات هم مکرر فرود آمد. این‌گونه اختلاف در میان آیات قرآنی معلول اقتضائات مختلف مقام بیان است (سیدی، ۱۳۷۵: ۵۱-۵۲).

۱۳. تحلیل موضوعی و نشانه‌شناختی دو سوره شعرا و انعام

درباره علت انتخاب سوره شعرا باید گفت در این سوره مدد وجوه واژه «آیه» در شکل مفرد آن دیده می‌شود؛ بنابراین سوره شعرا، که دارای بالاترین بسامد شکل مفرد واژه «آیه» است، انتخاب شد. این سوره مکی است و ۲۲۷ آیه دارد و در آن ۱۲ بار واژه «آیه» به شکل مفرد و ۲ بار به شکل جمع آمده است. علت انتخاب سوره انعام نیز این است که بسامد واژه آیه - چه به شکل مفرد و چه به شکل جمع - در این سوره بالاتر از بسامد این واژه در کل سوره‌های قرآن است. به‌طور کلی واژه «آیه» ۳۲ بار در این سوره آمده است: ۷ بار به شکل مفرد و ۲۵ بار به شکل جمع. سوره انعام مکی است و ۱۶۵ آیه دارد.

غزالی در گامی به سوی تفسیر موضوعی سوره‌های قرآن کریم می‌نویسد:

دین اسلام در دعوت به پرستش خداوند با مقاومت عموم مشرکان روبه‌رو شد آن‌ها یکتایی خداوند و پیامبری محمد (ص) را انکار می‌کردند. هرچه بر اهتمام رسول خدا در دعوتشان افزوده شد، بیشتر به تکذیب او پرداختند گویی با دوری گزیدن از او می‌خواستند تا او را محزون و افسرده‌خاطر سازند (۵۱۵).

در چنین بافت موقعیتی، قرآن در آیات دو و سه سوره شعرا خطاب به پیامبر چنین می‌گوید: «تلك آیات الكتاب المبين* لعلك باقع نفسك الا يكونوا مومنين»: «این آیات کتاب روشن‌گر است، چه بسا تو جانت را می‌فرسایید که چرا [مشرکان] مؤمن نمی‌شوند». محمد باقر محقق در باب شأن نزول این آیه به روایت از امام صادق (ع) می‌نویسد:

رسول خدا به علی فرمود یا علی از خدا خواستم که بین من و تو دوستی ایجاد نماید. خداوند آن را انجام داده است و نیز از او خواستم که میان من و تو برادری به‌وجود آورد خداوند آن را هم انجام داده است و نیز از او خواستم که تو را وصی و جانشین من قرار دهد آن را نیز برآورده است. در این میان مردی (از روی طعنه) گفت: به خدا قسم هر آینه یک صاع خرما بهتر از درخواست‌های محمد از خدای خودش بوده است. ای کاش محمد از خداوند سلطنت تقاضا می‌کرد تا قدرتی به‌دست آورد و دشمنان خویش را منکوب نماید و یا گنجی درخواست می‌نمود تا از فقر و بیچارگی خلاصی می‌یافت. سپس آیه فوق نازل شد (۱۳۵۹: ۵۸۹).

در آیه دوم از سوره شعرا مفهوم متنی واژه «آیات» موردنظر است و خداوند در آغاز سوره و با در نظر گرفتن بافت موقعیت، آیات کتابش را معجزه‌ای می‌داند که روشن‌کننده راه مؤمنان است.

«ان نشأ نزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعين» (شعرا، ۴): «اگر بخواهیم معجزه‌ای از آسمان به آنان نازل می‌کنیم. آن‌گاه گردن‌هایشان را [به تسلیم] در برابر آن فرود خواهند آورد». در این آیه آن وجه از واژه «آیه» موردنظر است که معنای «معجزه» می‌دهد و بافت موقعیت مؤید این مطلب است: مشرکان نشانه‌ای (معجزه‌ای) طلب می‌کنند که آن‌ها را شگفت‌زده کند.

«اولم یروا الی الارض کم انبتنا فیها من کل زوج کریم* ان فی ذلک لایه و ما کان اکثرهم مؤمنین» (شعرا، ۷-۸): «آیا در زمین نگریسته‌اید که چه بسیار در آن از هر گونه‌ای ارزشمند رویانیده‌ایم. بی‌گمان در این مایه عبرتی هست ولی بیشتر آن‌ها مؤمن نیستند». در آیه هشت این سوره «آیه» مفهومی فرامتنی دارد و آیه هفت این موضوع را روشن

می‌کند. خداوند بلافاصله پس از اینکه از آیات کتابش به معجزه‌ای یاد می‌کند (آیه ۲)، برای تکمیل استدلال خود انسان را به جهان طبیعت (زمین و انواع گیاهانی که بر آن می‌رویند) می‌کشانند و اذعان می‌کند که به‌راستی در زمین نشانه‌ها و آیات بسیاری است؛ اما مشرکان ایمان ندارند و چشم دلشان را بر این نشانه‌های آشکار می‌بندند. خرمشاهی در ترجمه آیه هشت وجه «عبرت» را برای واژه «آیه» قائل شده است؛ همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، انتخاب این معنا مناسب به نظر نمی‌رسد. باران لطف و رحمت خداوندی سرزمینی خشک و بی‌آب و علف را پس از اندکی به سرزمینی سرسبز و زیبا تبدیل می‌کند. اگر بصیر و بینا باشیم، همین کافی است تا نشانه‌ای باشد بر وجود خالق یکتا و توانا؛ اما مشرکان این نشانه‌ها را نمی‌بینند و مؤمن نمی‌شوند. توجه به این نکته جالب است که آیه هشتم سوره شعرا در سراسر سوره هشت بار تکرار می‌شود. غزالی درباره این سوره می‌نویسد:

خداوند سوره شعرا را با اشاره به آیات کتابش آغار می‌کند، حکمت خداوند اقتضا کرده است تا نشانه محمد (ص) وحیی باشد که همیشه تلاوت شود تا نسل‌های آینده به آن گوش فرا دهند. کلام وحی عقل‌ها را خطاب قرار می‌دهد و با خرافاتی که شایع شده باشد مبارزه می‌کند (۱۳۷۷: ۵۱۶).

خداوند با آیه «تلك آیات الكتاب المبين» آیات کتابش را معجزه‌ای می‌شمارد که بسیار روشن‌گرت‌ر و شگفت‌انگیزتر از هر معجزه‌ای است و فصاحت قرآن و عظمت آن را معجزه محمد (ص) می‌داند. سپس به جهان خلقت، زمین و رستنی‌هایش اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد که اگر اطرافتان را بنگرید آن را پر از نشانه می‌بینید. در ادامه این سوره به وضعیت ملت‌های پیشین و پیامبران‌شان اشاره می‌شود؛ به سرگذشت موسی و فرعون، ابراهیم و قومش، هود و قوم عاد، صالح و قوم ثمود، لوط و قومش، شعیب و اهل ایکه و بلافاصله پس از نقل هر داستانی این آیه می‌آید: «ن فی ذلک لآیه و ماکان اکثر هم مؤمنین». در تمام این موارد وجه غالب واژه «آیه» به معنای «عبرت» است. قرآن با اشاره به وضعیت ملت‌های پیشین می‌گوید آن‌ها که پیامبران‌شان را (که همچون محمد (ص) برای آن‌ها کلام وحی آوردند) تکذیب کردند، با هلاکت و

زیانکاری روبه‌رو شدند. ژرف‌نگری در احوال پیشینیان می‌تواند درس عبرتی باشد برای آنان که مؤمن نیستند و آیا اعراب نیز خواستار چنین سرنوشتی هستند؟

گروهی از پیشینیان و معاصران تصریح کرده‌اند به اینکه آیاتی از قرآن مکرر نازل شده است. ابن‌الحصار گفته است گاهی به دلیل موعظه و تذکر، آیه‌ای مکرر نازل می‌شد (سیوطی، ۱۳۷۶: ۱۳۵). به عبارتی قرآن با تکرار ترجیع‌بندگونه آیه «ن فی ذلک لآیه و ماکان اکثر هم مؤمنین» پیوسته سرگذشت پیشینیان را مایه عبرت می‌داند و یادآور می‌شود که با وجود این، مشرکان ایمان نمی‌آورند. خداوند در پایان سوره خطاب به محمد (ص) دوباره به قرآن اشاره می‌کند که جبرئیل به زبان عربی شیوا آن را بر دلش نازل کرده و خبر آن در صحف آسمانی پیشین نیز آمده است: «اولم یکن لهم آیه ان یعلمه علماء بنی اسرائیل» (شعرا، ۱۹۷): «آیا برای آنان این خود دلیل روشنی نیست که علمای بنی‌اسرائیل از آن اطلاع دارند؟». قرآن خطاب به مشرکانی که معجزه‌بودن قرآن را تکذیب می‌کنند می‌پرسد آیا این دلیل روشنی برای آنان نیست که خبر آمدن قرآن را کتب آسمانی پیشین و علمای بنی‌اسرائیل بشارت داده‌اند؟ آیا این دلیل روشنی بر حقانیت این کتاب نیست؟ همان‌طور که دیده می‌شود، بافت متنی آیات پیشین، معنای «دلیل روشن» را برای واژه «آیه» تبیین می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، در سوره شعرا واژه «آیه» در سه وجه معجزه، عبرت و دلیل روشن آمده است. شکل جمع واژه «آیه» (آیات) در این سوره فقط دو بار، یک بار به معنای آیات قرآن و دیگری به معنای نشانه‌ها آمده است. علاوه بر این، کاربرد متنی و فرامتنی واژه «آیه» در این سوره به‌خوبی مشخص است و همانند کل قرآن، در این سوره نیز سه موضوع مهم مطرح و بر آن تأکید شده است: اعجاز قرآن، جهان طبیعت، سرگذشت پیشینیان.

به منظور تأیید و تبیین این مطالب سوره انعام را نیز بررسی می‌کنیم. سوره انعام تنها سوره بلندی است که تمام آیات آن باهم و یک‌جا آن‌هم در شب نازل شده است (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۳۲، ۱۵۰ و ۳۲۴). غزالی درباره این سوره می‌نویسد:

این سوره در یک نفس نازل شد. پیامبر اکرم تمام آن را به هنگام نزول حفظ فرمود. همانا حافظه آن حضرت دقیق‌تر از نواری بود که امروزه صدا را روی آن

ضبط می‌کنند ظاهر آ این سوره در اوج و شدت درگیری بین حق و باطل نازل شده است. اولین آیه این سوره خالق آسمان‌ها و زمین و تاریکی‌ها و روشنایی‌ها را سپاس می‌گوید و سخن گفتن از خداوند سبحان را پیش می‌گیرد. گفتاری که از عظمت باری تعالی پرده برمی‌دارد و به نشانه‌های او در تمام موجودات جاندار و بی‌جان و کھکشان بیکران اشاره می‌کند... بت پرستان غافل از خدا و منکران وحدانیت او نخستین کسانی هستند که در هنگام نزول قرآن مخاطب قرار گرفتند. این جاهلان نسبت به بت و هر آنچه از پدرانشان به ارث برده بودند تعصب داشتند و با خشونت در برابر هر ندای عاقلانه‌ی رهایی‌بخش مقاومت می‌کردند (۱۳۷۷: ۱۵۰ و ۱۷۴).

در چنین بافتی است که قرآن از زبان خداوند در آیه چهار سوره انعام چنین بیان می‌کند: «و ما تأتیهم من آیه من آیات ربهم الا كانوا عنها معرضین»: «هیچ آیتی از آیات پروردگارشان برای آنان (مشرکان) نیامده است مگر آنکه از آن رویگردان بوده‌اند». مفهوم «آیه» در این آیه، فرامتنی است و به آیه‌های پیشین آن برمی‌گردد: خلقت آسمان‌ها و زمین، تاریکی و روشنایی، خلقت انسان از گل و محدودیت عمر او. همه این موارد به‌عنوان نشطی مسدود از وجود خداوند بیان می‌شوند. بنابراین، تعیین وجه غالب واژه «آیه» در اینجا به وسیله بافت آیات پیشین تبیین شده است. نکته درخور توجه این است که آیه چهارم سوره انعام با آیه پنجم سوره شعرا تناظر موضوعی و حتی صوری دارد:

آیه چهار سوره انعام: «و ما یأتیهم من آیه من آیات ربهم الا كانوا عنها معرضین».
 آیه پنج سوره شعرا: «و ما یأتیهم من ذکر من الرحمان محدث الا كانوا عنه معرضین»: «و هیچ پندی تازه از سوی خدای رحمان برای آنان نیامد مگر آنکه از آن رویگردان بودند».

نیز جالب است بدانیم که در هر دو سوره بلافاصله پس از این دو آیه، آیات زیر آمده است که به لحاظ معنا کاملاً برابر و به لحاظ شکل نیز بسیار شبیه به هم هستند:

آیه پنج سوره انعام: «فقد کذبوا بالحق لما جاء هم فسوف یأتیهم انبأوا ما کانوا به یتستهنون»: «و حق را چون برایشان نازل شد. دروغ انگاشتند اما به زودی [حقیقت] اخبار آنچه بدان استهزاء کردند برایشان آشکار خواهد شد».

آیه شش سوره شعرا: «فقد کذبوا فسیأتیهم انبأوا ما کانوا به یتستهنون»: «به راستی که آن را (قرآن را) دروغ انگاشتند، به زودی حقیقت اخبار آنچه بدان استهزاء کردند برایشان آشکار خواهد شد».

تناظر موضوعی و صوری آیات سوره شعرا و انعام نکات جالبی را به ما می آموزد: یکی اینکه مفسر یا مترجم قرآن باید به کل متن قرآن علم داشته باشد و با نگاهی کل گرایانه و از بالا به تک تک آیات بیندیشد؛ دیگر اینکه ترجمه یک کلمه می تواند با این نگاه کل گرایانه بسیار متفاوت با معنای لغوی و فرهنگ لغتی آن باشد. برای مثال کلمه «ذکر» در آیه پنج سوره شعرا که در لغت به معنای «شهرت، آوازه، نام نیک، حمد و ثنا، شرافت، نماز و دعا کردن، مرد قوی و دلیر و تسلیم ناپذیر، حرف محکم و قوی و باارزش، باران بسیار تند و نام نیک انسان پس از مرگ و چک و سفته یا رسید پول» است (افرام البستانی، ۱۳۷۷: ۱۷۲). واژه هم ارزش «ذکر»، واژه «آیه» از آیه چهارم سوره انعام است. همان طور که در این دو آیه روشن است، بر روی محور جانشینی می توان این دو کلمه را در بافت شیله جانشینی هم دانست. دلیل دیگر جهت اثبات این ادعا، تشابه بافت همنشین این دو کلمه در دو آیه است:

آیه چهار سوره انعام: و ماتأتیهم من ^(آیه) من ^(آیات ربهم)
 آیه پنج سوره شعرا: و ما یأتیهم من ^(ذکر) من ^(الرحمن محدث)

قرآن پژوهان برای واژه «ذکر» بالغ بر بیست وجه ذکر کرده اند (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۴۹۴-۴۹۶؛ ساسانی، ۱۳۸۳: ۳۷۸-۳۷۹). اما هیچ یک از این وجوه معنای «آیه» (در اینجا به معنای معجزه) را ندارد. با توجه به آیه چهار سوره شعرا معنای کلمه «ذکر» به خوبی روشن می شود. در سوره آمده است: «اگر بخواهیم معجزه ای (آیه) از آسمان بر آنان نازل می کنیم ... اما هیچ معجزه (ذکر) تازه ای از سوی خدای رحمان برای آنان نیامد مگر آنکه از آن رویگردان بودند». پس می توان گفت در اینجا بافت متنی بلا فصل (آیه پیشین) و بافت متنی گسسته (آیه چهار سوره انعام) معنای واژه ذکر را در آیه پنج

سوره شعرا تبیین می‌کند. از این مباحث می‌توان نتیجه تازه‌ای گرفت: روابط همنشینی و جانشینی در متن به روابط همنشینی و جانشینی بلافصل محدود نمی‌شود؛ بلکه به نظر نگارندگان یک جمله از انتهای یک متن می‌تواند با یک جمله از ابتدای آن متن بر روی محور جانشینی و همنشینی روابطی داشته باشد؛ چنان‌که مثال یادشده بیان‌گر این نکته است.

آیه پنج و شش سوره انعام به سرنوشت تمدن‌ها و اقوام پیشین اشاره می‌کند؛ سرنوشت ملت‌هایی که استکبار می‌ورزند، طغیان می‌کنند و سرانجام خداوند آنان را به کیفر گناهانشان نابود می‌کند و بعد از آنان قومی دیگر پدید می‌آورد. در اینجا نیز مانند سوره شعرا، قرآن سرگذشت پیشینیان را مایه عبرتی برای مردم می‌داند؛ اگر چه بسیاری از آنان ایمان نمی‌آورند و باز هم خدا را تکذیب می‌کنند. از این رو خداوند در آیه هفت این سوره خطاب به پیامبر می‌گوید: «و اگر کتابی نوشته بر کاغذ بر تو نازل می‌کردیم و آنان با دستان خویش آن را لمس می‌کردند باز هم کافران می‌گفتند این جز جادوی آشکار نیست.» در آیه نوزدهم نیز خطاب به پیامبر می‌فرماید: «به مشرکان بگو که این قرآن به من وحی شده است که بدان شما را و هر کس را که این پیام به او برسد هشدار دهم...». در آیه بیست هم این‌گونه هشدار می‌دهد: «آنان که به پیامبر خدا ایمان نیاورده‌اند برخود زیان زده‌اند.» بلافاصله پس از این آیه چنین آمده است: «و من اظلم ممن افتری علی الله کذباً او کذب بایاته انه لایفلح الظالمون» (انعام، ۲۱): «و کیست ستمکارتر از کسی که به خداوند دروغ بزند یا آیات او را دروغ انگارد، آری ستمکاران رستگار نمی‌شوند». کلمه «آیات» در این آیه با توجه به بافت همنشین پیشینش (آیات نوزده و بیست) می‌تواند به مفهوم متنی و به معنای آیه‌های قرآن تعبیر شود؛ اگرچه به نظر می‌رسد معنای دیگری نیز می‌تواند از آن مستفاد شود و مفهومی وابسته به بافت موقعیت به خود بگیرد و به تمام نشانه‌های خداوند اعم از قرآن و جهان آفرینش و... ارجاع دهد. آن‌گونه که پیشتر در بخش تک‌معنایی و چندمعنایی نیز گفتیم، اغلب ایهام کلمه چندمعنا در بافت روشن می‌شود. اما گاه این اتفاق نمی‌افتد و کلمه همچنان چندمعنایی خود را در بافت متن حفظ می‌کند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت از آنجا که

فرستنده پیام امکانات فراوانی برای فرمول‌بندی پیام خود دارد، گزینش او گزینشی معنادار است و خود نویسنده می‌خواهد این دوپهلویی همچنان باقی بماند.

پیامبر (ص) از تکذیب و تمسخر مشرکان رنجیده و در اشتیاق کمک‌های آسمانی است تا موضوع را یک‌سره کند. او مشتاق است تا معجزه‌ای زبان ایشان را لال کند؛ ولی در پاسخ به خواسته او این آیه نازل می‌شود: «و قالوا لولا نزل علیه آیه من ربه قل ان الله قادر علی ان ينزل آیه و لكن اكثرهم لا يعلمون» (انعام، ۳۷): «و گویند چرا معجزه‌ای بر او از سوی پروردگارش نازل نشده است؟ بگو بی‌گمان خداوند توانای آن هست که معجزه‌ای نازل کند ولی بیشتر آنان نمی‌دانند».

جالب است بدانیم که از هفت مرتبه‌ای که واژه «آیه» به شکل مفرد در سوره انعام آمده، دو بار به معنای نشانه (آیه ۴ و ۱۲۴) و پنج بار به معنای معجزه (آیات ۲۵، ۳۵، ۳۷، ۳۷ و ۱۰۹) است. وجه غالب واژه آیه در سوره انعام «معجزه» است؛ زیرا موضوع کلی این سوره در پاسخ به مشرکان است که از پیامبر طلب معجزه می‌کنند تا به او ایمان بیاورند. به یاد داشته باشیم که این سوره یک‌جا و در یک‌دفعه نازل شده و این خود حاکی از یکپارچگی موضوع کلی آن است.

در ادامه سوره انعام، مانند سوره شعرا، به سرگذشت پیامبران پیشین چون ابراهیم، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی، الیاس و نیز اسماعیل، الیسع، یونس و لوط (آیات ۸۴-۸۶) اشاره می‌شود: «اینان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن. بگو برای آن از شما مزدی نمی‌طلبم، آن جز پندآموزی برای جهانیان نیست.» (انعام، ۹۰). خداوند پس از سرزنش دلسوزانه آنانی که دلی بسته دارند با بیان یک سلسله وقایع قطعی طبیعت، به شرح و توصیف عظمت الهی بازمی‌گردد. نخلستان و خوشه‌های خرما که در زیر شاخه‌های نخل آویزان‌اند، درخت زیتون و انار که همانند و ناهمانندند و از چارپایان که بعضی را باربردار و بعضی را دست‌آموز آفریده است (آیات ۱۴۱ و ۱۴۲). در ادامه در ذکر مفید بود ن قرآن چنین می‌فرماید: «وهذا کتاب انزلناه مبارک فاتبعوه و اتقوه لعلکم ترحمون» (انعام، ۱۵۵): «و این کتابی مبارک است که آن را نازل کرده‌ایم، پس از آن پیروی و پروا کنید باشد که مشمول رحمت [او] شوید».

قرآن در سوره انعام نیز، مانند سوره شعرا، به سه موضوع اساسی که بیشتر ذکر شد، پرداخته است. گفتنی است که به لحاظ ترتیب نزول سوره شعرا بر سوره انعام تقدم دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی دانش وحی (قرآن) بر اساس مبانی نظری جدید می‌تواند ما را به برقراری ارتباط میان حوزه‌های مختلف دانش اکتسابی برساند یا حتی ارتباطی میان یافته‌هایی از حوزه‌های مختلف برقرار کند. بررسی واژه آیه در قرآن توانست چشم‌اندازی قرآنی به ارتباط میان دانش وحی و دانش اکتسابی از جمله علوم طبیعی، انسان‌شناسی، تاریخ‌نگاری و قوم‌شناسی بگشاید. این کلی‌ترین نتیجه‌ای است که می‌توان از این پژوهش به دست آورد. اما با نگاهی جزئی‌تر می‌توان گفت برای فهم قرآن و واژگان آن به عنوان یک متن، باید به دو عامل بافت متنی و بافت موقعیت به طور هم‌زمان توجه کرد؛ ضمن اینکه برای تفسیر درست بخشی از این متن، نگاه کل‌گرایانه الزامی است. بررسی متن قرآن و تعیین مدلول دال‌های قرآنی (واژگان قرآنی) وجود انبوهی واژگان دارای وجه، مشکل است. برای تبیین معنای واژگان چندمعنا توجه دقیق به بافت متنی بلافصل و بافت متنی گسسته ضروری است. روابط همنشینی و جانشینی در متن به روابط همنشینی و جانشینی بلافصل محدود نمی‌شود. یک جمله از انتهای متن می‌تواند با یک جمله از ابتدای آن بر روی محور جانشینی و همنشینی روابطی داشته باشد. هریک از جملات متن قرآن را می‌توان چون جهانی مستقل در نظر گرفت که در عین حال با دنیاهای پیرامونش - چه دور و چه نزدیک - ارتباط نزدیکی دارد و با هر دنیایی معنایی متفاوت حاصل می‌شود.

قائل شدن به دو مفهوم متنی و فرامتنی برای واژه «آیه» در این پژوهش و نیز امکان رخداد هم‌زمان این دو مفهوم در برخی آیات، دیدگاه نگارندگان را به نظریه نوشتار ژاک دریدا نزدیک می‌کند. ژاک دریدا درون متن و بیرون متن را برخلاف ساختارگرایان، از یکدیگر مجزاً نمی‌پندارد و سعی دارد این نکته را نشان دهد که درون

متن همواره از بیرون متن تهدید می‌شود و برعکس. پیشنهاد نگارندگان آن است که در پژوهشی دیگر بر مبنای این نظریه واژگان وجوه (چندمعنا) بررسی و تحلیل شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Semiology
2. Semiotics
3. Representation
4. Interpretation
5. Object
6. Denotation
7. Connotation

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۷۵). ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: نیلوفر و جامی.
- قرآن کریم. (۱۳۷۶). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- احمدیان، حاج ملا عبدالله. (۱۳۷۸). قرآن‌شناسی. تهران: احسان.
- افرام البستانی، فؤاد. (۱۳۷۷). فرهنگ جدید عربی - فارسی (ترجمه منجدالطلاب). ترجمه محمد بندریگی. چ ۱۵. تهران: اسلامی.
- اکبری، حسن. (۱۳۶۱). آشنایی با معارف قرآن. تهران: بنیاد علوم اسلامی.
- پالمر، فرانک ر. (۱۳۷۴). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. ترجمه کورش صفوی. چ ۲. تهران: کتاب‌ماد.
- پترسون، مایکل، ویلیام هاسکر، بروس رایسناخ و دیوید بازینجر. (۱۳۷۹). عقل و اعتقاد دینی. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی. چ ۳. تهران: طرح نو.
- جفری، آرتور. (۱۳۷۲). واژه‌های دخیل در قرآن مجید. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- تفریسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم. (۱۳۴۰). وجوه قرآن. به سعی و اهتمام دکتر مهدی محقق. انتشارات دانشگاه تهران.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن. قرآن‌پژوهی. ج ۱. تهران: دوستان - ناهید.

- دادور، المیرا. (۱۳۷۴). «نمایشی خاموش در نشانه‌شناسی». *فصلنامه ادبیات معاصر*. س ۳. ش ۲۷. صص ۱۱۶-۱۱۹.
- دامغانی، فقیه و کریم عزیزی نقش. (۱۳۶۱). *قاموس قرآن در وجوه و لغات مشترک*. ج ۱. تهران: بنیاد علوم اسلامی.
- سوسور، فردینان دو. (۱۳۷۸). *دوره زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس.
- رادمنش، سیدمحمد. (۱۳۷۰). *آشنایی با علوم قرآن*. تهران: دیبا.
- الراغب الاصفهانی. *معجم المفردات الفاظ القرآن*. تهران: المکتبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه.
- ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۳). «معناشناسی گفتمانی نگاهی به فیلمک اروپا و آمریکا». *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*. انتشارات فرهنگستان هنر. صص ۷۵-۷۹.
- ساغروانیان. جلیل. (۱۳۶۹). *فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی*. مشهد: نشر نما.
- سجودی، فرزانه (گردآورنده و مترجم). (۱۳۸۰). *ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی و مطالعات ادبی*. گروه مترجمان. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
- _____ (گردآورنده و مترجم). (۱۳۸۰). «نشانه‌شناسی ادبیات و نگاهی تازه به ترجمه ادبی». *فرهنگ توسعه*. ش ۴۴-۴۶.
- _____ (گردآورنده و مترجم). (۱۳۸۳). «نشانه‌شناسی کاربردی». ج ۲. تهران: قصه.
- _____ (گردآورنده و مترجم). (۱۳۸۳). «نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در تحلیل متن هنری». *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*. انتشارات فرهنگستان هنر. صص ۵۹-۷۳.
- سیدی، حسن. (۱۳۷۵). «نقش بافت در فهم واژگان قرآنی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. س ۳۴. ش ۱ و ۲. صص ۴۵-۶۰.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۳۷۶). *الاتقان فی علوم القرآن*. ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی. ج ۱. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۱). *میانی معناشناسی نوین*. تهران: سمت.
- شعیری، حمیدرضا و همکاران. (۱۳۷۶). «ویل در قرآن و ناهشیاری». *فصلنامه علمی-پژوهشی دانشور*. تهران (دانشگاه شاهد). س ۵. ش ۱۷. صص ۲۵-۳۴.

- صبری، خلیل الله. (۱۳۶۲). *طبقات آیات* (طبقه‌بندی قرآن کریم براساس موضوع). ج ۳. تهران: امیرکبیر.
- صدرحاج سیدجوادى، احمد و همکاران. (۱۳۶۹). *دایرةالمعارف تشیع*. ج ۱. تهران: مؤسسه دایرةالمعارف تشیع با همکاری شرکت نشر یادآوران.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۳). «شکل‌گیری نشانه». *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*. انتشارات فرهنگستان هنر. صص ۱۳-۲۵.
- ضمیران، محمد. (۱۳۷۹). *ژاک دریدا و متافیزیک حضور*. تهران: هرمس.
- طباطبایی، محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی. تهران: محمدی (جلدهای مختلف).
- عبدالباقی، محمدفؤاد. (۱۳۶۲ / ۱۹۸۲). *المعجم المفهرس الالفاظ القرآن الکریم*. ترکیا: استامبول، المكتبة الاسلاميه. محمد اوزدمیر.
- غزالی، محمد. (۱۳۷۷). *گامی به سوی تفسیر موضوعی سوره‌های قرآن کریم*. ترجمه علی‌اصغر محمدی. ج ۱. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۵۴). *قاموس قرآن*. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قیطوری، عامر. (۱۳۸۱). «قرآن و نظریه‌های نشانه‌شناسی». *نامه فرهنگ*. ش ۲۹. صص ۱۸۵-۱۹۱.
- گروهی از مؤلفان. (۱۳۸۲). *دایرةالمعارف قرآن کریم*. ج ۱ (ذیل آیات خدا). قم: مؤسسه بوستان کتاب قم.
- گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۳). *نشانه‌شناسی*. ترجمه محمد نبوی. ج ۳. تهران: آگاه.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). *مجله زبان‌شناسی*. س ۹. ش ۱. صص ۹-۴۰.
- محقق، محمدباقر. (۱۳۵۹). *نمونه بینات در شأن نزول آیات*. ج ۲. تهران: اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. ج ۲، ۱۴ و ۱۶. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۷۹). *سیری در نهج البلاغه*. تهران: صدرا.
- موسوی بجنوردی. کاظم. (۱۳۶۸). *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. ج ۲. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- نجومیان، امیرعلی. (۱۳۸۳). «نشانه‌شناسی پساساخت‌گرا: واسازی در معماری پیتر آیزنمن». *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*. انتشارات فرهنگستان هنر. صص ۴۱-۵۸.

- هریس، روی. (۱۳۸۱). *زبان، سوسور و ویگنشتاین؛ چگونه می‌توان با واژه‌ها بازی کرد*. ترجمه اسماعیل فقیه. تهران: نشر مرکز.
- یاکوبسن، رومن. (۱۳۷۶). *روندهای بنیادین در دانش زبان*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس.
- Chandler, Daniel. (1994). *Semiotics For Beginners-Accessible and Thorough-English online*. New Zealand Ministry of Education.
- Hervey, Sandor. (1982). *Semiotic Perspectives*. London. George Allen & Unwin.
- Koshul, Basit B. (2004). *The Semiotics of Ayah: An Introduction to Quranic Scriptural Reasoning*. University of Virginia.
<[www.\\ Semiology\general Responses Basit B- Koshul.htm](http://www.\\Semiology\general Responses Basit B- Koshul.htm)>
- Silverman, Kaja. (1983). *The Subject of Semiotics*. New York, Oxford: Oxford University Press.

